

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۴ خرداد ۹۰

هفته‌ی هفدهم (بازگشت به خانه‌ی امن)

۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۲ (هفته‌ی سوم ماه جمادی الثانی)

به نام خالق‌ی که آفرینش خویش را در حق بودنش ستود و فرمود: ﴿مَنْ آسَمَانَ وَ زَمِیْنَ رَا بَیْهُودَہٗ خَلَقَ نَکَرَدَمَ بَلْکَہٗ حَقَّ رَا بَرَّ سِرَّ بَاطِلٍ مِیْزَنِیْمٍ تَا اَنْ رَا دَرِہِمَ کُوْبِدَ وَ بَاطِلٌ نَابُوْدَ شُوْنَدَہٗ اَسْت﴾

پس حقیقت وجود، خالی از اغراق است و حاشیه بافی در آن، محکوم به فناست؛ آنچه مورد نظر است جانی است که خویش خویشتن را در بازیچه‌های شیطانِ نفس گم می‌کند و جای امنی برای بازگشت نمی‌یابد؛ مانند کودکان از وحشت به هر سو می‌دود تا والدین مهربانش را بیابد و با آنها به خانه‌ی امن و دور از هر تباهی برگردد؛

شما بیماران هم، دستتان را به پزشکی دادید که خانه‌اش امن است، دارویش اصل است و معالجه‌اش، نجات از آتش است.

می‌خواهید به خانه‌ی امتنان بازگردید؛ از گم شدن، عده‌ای درمانده در گوشه‌ای نشستند تا مددکاری بیاید و عده‌ای به هر سو دویدند؛ آنان که نشستند، پس از مدتی بر می‌خیزند و با نگرانی به دنبال آدرس می‌گردند، وقتی نا امید می‌شوند، دوباره می‌نشینند و منتظر می‌مانند، در حین وحشت گم شدن، منتظر نجات دهنده‌ای هستند که از آن وضعیت سردرگم به خانه‌ی امنشان برگردند؛

من کسانی را که مشتاقانند تا با اطمینان و بدون هیچ شکی، از سردرگمی نجات پیدا کنند را یاری می‌کنم؛ خرج راه را طبق فرموده‌ی کتاب آسمانی به آنها می‌دهم، اگر درست استفاده کنند و خرج‌های بیهوده انجام ندهند، برایشان کافی است؛ پولی که به وَاِبْنِ السَّبِیْلِ می‌دهند برای نجات از غربت است؛ غربتی که باید از آن مهاجرت کرد و به طرفِ الیه راجعون، وعده‌ی حق الهی به راه افتاد.

بیماران مطب برای بهبودی حالشان از سفارشات پزشکشان در پرهیز از غذاهای مسموم، استقبال خوبی کردند؛ سم بدنشان تا اندازه‌ای پایین آمده ولی هنوز برای قلب خطرناک است و اجازه‌ی حیات مجدد را نمی‌دهد. اگر قلب از کما بیرون بیاید، نیازمند خونی سالم است پس داروهای تجویز شده را با دقت مصرف کنید.

زنده‌ای که زندگی‌اش افسانه‌ی کتاب‌های داستان است، همواره آغازی پر شور و پایانی غم انگیز دارد مانند سؤالی که مطرح کرده بودیم، آنان که پاسخ دادند، در محدوده‌ی درکشان داستانی را به تصویر کشیده بودند که هنرمندان ماهر در آن نقش آفرینی می‌کردند و بیننده‌ی فیلم منتظر بود تا قهرمان داستان، تمام دیوهای سر راهش را بکشد و داستان در حالی تمام شود که او پیروزمند صحنه‌ی نمایش باشد پس پروردگار عالم فرمود: (آیه‌ی ۱۶ و ۱۷ سوره‌ی انبیاء) ﴿ما این آسمان و زمین و آنچه میان آن دوست به بازیچه نیافریدیم؛ اگر خواستار بازیچه می‌بودیم، خود آن را می‌آفریدیم؛ اگر خواسته بودیم﴾.

پس داروی اطاعت را آن‌چنان در وجودتان وارد کنید که تمام ویروس‌ها را منهدم کند.

گروه‌های سنی متوجه بیماری‌هاشان شدند و راه نجاتشان را شناختند؛ پرونده‌ی بیماری‌شان را تا زمان درمان قطعی، بایگانی می‌کنیم پس برای بیداری از خوابِ مصلحتی تلاش کنید تا مجدداً از غربت، به خانه‌ی امن برگردید.

پزشکتان ناظر خوردن داروهای تجویز شده است؛ اگر هر بیماری که در بیمارستان سایت بستری شده، قوانین تذکر داده شده را رعایت نکند او را از بیمارستان اخراج می‌کنیم تا با تجویز خودش به آنچه مایل است بپردازد.

هفته‌ی آینده پرونده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و بیماران مطیع را، در درمان یاری می‌کنیم؛ پس هر گروه سنی نسخه‌ی جانس را به داروخانه‌ی پروردگار عالم ببرد و دارویش را در فرامین کتاب آسمانی بیابد و سر ساعت میل کند تا دردش درمان شود.

شکری سزاوار نعمت است که نعمت در آن شناخته شود؛ اگر درک، از عقل فراتر شد  
نامش هدایتِ رسولان است پس همواره عقل، قادر به درک معجزه نبوده، آنچه  
معجزه را معنا کرده درک با اطاعت است.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com